

## توضیحی بر مفاهیم رشد و انکشاف جسمی و روانی طفل

به مناسبت روز جهانی طفل

حقوق طفل و تأمین آن تنها در ایجاد آسایش و رفاه مادی خانواده و مسئولیت والدین صرفاً بخاطر این آسایش طفل نیست بلکه یک بخشی فکتور های از موثر در رشد و انکشاف جسمی و روانی طفل را در خانواده ، محیط و جامعه افاده مینماید. حقوق طفل مبنی بر انکشاف سالم و مصنون جسمی و روانی طفل مفاهیم وسیع تر را در ترمونولوژی حقوقی و متود های تعلیم و تربیت طفل افاده مینمایند.

حقوق طفل در کنوانسیون بین المللی ملل متحد ( 20 نوامبر 1989 ) ، در عرصه های زیر مشخص و مسجل گردیده است:

حق طفل برای تحصیل

حق داشتن کلتور و مذهب

حق داشتن نام و تعلقیت به یک ملت معین

حق داشتن ارانه نظر و خواست

حق داشتن زنده گی مصنون و حق صحت

حق حفاظت طفل در برابر کار اجباری

حق حمایت طفل در برابر سو استفاده و خشونت

حق حفاظت و مصنونیت طفل در شرایط جنگ

حق داشتن زمینه های مصنون بازی برای طفل

حق رشد مصنون طفل در خانواده

حق استفاده از آب پاک آشامیدنی

حق داشتن خدمات صحی معالجوی و وقایوی

حق داشتن استفاده خدمات و تأمینات برای اطفال معلول و معیوب.

رشد و انکشاف مصنون جسمی و روانی رابطه نا گسستنی با حقوق طفل دارد که در بالا تذکر داده شدند. و آن مفهوم تشکل سالم ، مثبت و تکمیل شخصیت طفل را بیان میدارد که طفل حین قدم گذاشتن به سن رشد بحیث یک شخصیت تکمیل شده و فرد متمر اجتماعی آگاهانه و با تفکیک نورم های اخلاقی و نورماتیوی خود را جزّ اجتماعی تلقی نموده و در ادای مسئولیت های اجتماعی اش توانایی تصمیم و تفکیک و عملکرد مستقلانه را دارا میباشد. به مفهوم دیگر نه تنها خود آماده ادای مسئولیت های اجتماعی میگردد بلکه خود با آنچه راکه در خود انکشاف داده است ، خوشبخت احساس میکند، مثبت و آگاهانه میاندیشد و بلاخره بر فر همان فکر و عمل خود راضی میباشد.

در صورت عدم تکمیل شخصیت و رشد نا سالم ناشی از زنده گی پر از معضلات در خانواده ، محیط و اجتماع ( خشونت خانوادگی، شیوه های سختگیرانه تربیه، مسخره شدن در محیط و مکتب، سوء استفاده جنسی ، فشار های ناشی از تقاضا های

بلند از طفل که در سطح پاینتر نکات ذهنی قرار دار، محرومیت ساختن از بازی های مربوط به مراحل طفلی و نو جوانی، جنگ و جدل بین والدین و دها فکتور های برونی که طفل از آن اسیب پذیر شده است). همچنان قابل تذکر است که در وجود طفل فکتور های درونی نیز مانع رشد و انکشاف مصنوع جسمی و روانی و وجدانی میگردند که ناشی از اختلالات مغزی میباشد. به دلیلی اینکه شیوه های تعلیمی و تربیتی در محیط و خانواده با این اختلالات در مطابقت و تناسب نمیباشد، طفل با اسیب دیده گی و آسیب پذیری به سن رشد میرسد ولی توانائی اش در برابر ادای مسنولیت های اجتماعی در حد نیست که احساس خوشبختی و تکمیل شخصیت و وجدان را با عث گردد.

نویسنده در این مقاله مکتی بر همین مفهوم انکشاف مصنوع جسمانی و روانی خواهد نمود تا خواننده محترم، اخصاً والدین گرامی یک دید و ایده نسبی از این مفهوم حقوقی، تعلیمی و تربیتی داشته باشند.

مفهوم انکشاف جسمی و روانی کودک مرتبط میشود به یک مرحله سنی معین که طفل در آن قرار دارد. معمولاً مراحل انکشاف طفل شامل دوره های ذیل میباشد

0 الی چهار سال، 5 الی 12 سال و 13-18 سال. که هرکدام مشخصات خاص و شیوه برخورد معین با طفل را با خود دارد. به مفهوم دیگر رشد و انکشاف مربوط به یک دوره میشود که طفل مهارت های معین را باید بیامورد، از آن خود سازد، با انجام آن طفل خود از خود راضی باشد و در توانائی انجام این مهارت اعتماد بخود کسب نماید. این اعتماد در وجودش انکشاف مینماید و باعث تقویه احساس اعتماد بر خود میگردد. علاوهً طفل با آموزش و انجام موفقیت آمیز این مهارت ها از محیط و خانواده عکس العمل های مثبت را مواجه میگردد. بدین مفهوم که طفل بخشی از یک وظیفه اجتماعی خود را " بحیث یک موجود اجتماعی" انجام میدهد و آنرا خود رهبری میکند. این را در متود های تعلیم و تربیه طفل " انکشاف استقلالیت مربوط به دوره معین سن" یاد میکنند. در صورت که طفل به علت تاثیر فکتور های مختلفه این مهارت ها را نتواند از آن خود سازد و در انجام آن موفقیت احساس نکند، احساس نا رضایتی و عدم اعتماد بخود در وجود طفل جا میگردد و رشد میابد. زیرا طفل نه تنها که وابسته به دیگران قرار میگیرد بلکه احساس بد بختی و نا امیددی در روانش تقویه میگردد چونکه طفل از محیط عکس العمل های منفی بدست میآورد. در طول زمان این احساس کم (نا) توانی رشد و انکشاف روانی طفل را در مراحل بعدی به مشکلات بیشتر مواجه میسازد و آهسته آهسته طفل با خود ش و محیط ماحولش به معضله مواجه میگردد. حتی این احتمال وجود دارد که طفل در سنین نو جوانی احساس کم ارزشی نسبت بخود و عقده مندی در وجودش انکشاف نماید که بعداً تمناات پناه بردن به مخدرات، مسکرات و جرایم جنای را در عملکرد های طفل زنده میسازد. خطر بزرگتر در این چنین حالات رشد نا موزون و نا مکمل وجدان را نیز باعث میگردد که طفل در برابر اعمال خلاف نورم های اخلاقی و اجتماعی بی تفاوت بوده انجام آنرا یک امر پذیرفته شده تلقی میکند.

انکشاف جسمی و روانی طفل توسط فکتور های مختلف معین و از آن متأثر میگردد مانند: فکتور بیولوژیک، اجتماعی ( محیط). درجه رشد و انکشاف جسمی و روانی طفل در اصل مربوط میشود بر این که محیط از داشتن مهارت های اموخته شده طفل در یک دوره معین سنی چگونه انتظار میداشته باشد و این انتظار ها میتواند در واقعیت درجه رشد و انکشاف را نیز معین سازد. در واقعیت این یک رابطه متقابل بین انسان و محیط اش است که یکی بر دیگری اثر متقابل دارند. مثلاً اگر طفلی حرف زده نتواند و یا به مشکل حرف بزند، رابطه دیگر با بزرگسالان میداشته باشد. و یایک نوجوان به سن بلوغ ( رشد متعادل هورمون های جنسی) در محیط داخل روابط جدید و عکس العمل های متقابل مواجه میگردد که در همان مرحله رشد جسمانی و روانی خودش بخود احساس غرور و رضایت میکند و مهارتهای جدید را میآموزد و آنها از آن خود میسازد. همچنان یک نوجوان در سن نوجوانی در پی ایجاد حلقه دوستان و رفیقان یا خواهر خوانده ها میشود و بیشتر داخل روابط اجتماعی میگردد. نا گفته نباید گذاشت که نوجوانان در این مرحله سنی بیشتر نسبت به خود و محیط خود کنجکاو نیز اند و هر چیزی را به تجربه میگیرند. " اگر از یک جهت خود را در مرحله رشد فکری و استقلالیت عمل و اراده احساس میکند ولی میتواند از دیدگاه شیوه عمل هنوز طفلانه باشد. به همین دلیل است که نوجوانان در این مرحله سنی بیشتر با والدین داخل مباحثه میشوند و تاکید میکنند که آنها دیگر طفل نیستند و بیشر چیز ها را خود میدانند. آنها میخواهند اسقلالیت خود را به " نه" گفتن آزمایش کنند. و در برابر اوتوریتیه دیگران ایستاده گی میکند.

نویسنده این موضوع را خیلی ها مهم و حساس میداند که چگونه والدین یک درک نسبی در درجه و مهارت های رشد و انکشاف روانی و جسمی طفل در یک مرحله معین داشته باشند و بر آنها برخورد دقیق نمایند. هدف در دو مسأله نهفته است:

یکی اینکه کدام مهارت و عکس العمل یک طفل در یک مرحله معین زنده گی طفل به همان مرحله مطابقت دارد و اگر چنین نباشد باید والدین با موسسات تخصصی حمایت طفل و خانواده و یا داکتر فامیلی داخل مشورت شوند. مثلاً اگر یک طفل 10

ساله به مانند یک طفل 13 ساله تراز عمل و فکر نماید قبل توجه و دقت است هم چنانیکه یک طفل 13 ساله در عمل، فکر و کردار مانند طفل 10 ساله تراز نماید

دوم این که عکس العمل و برخورد والدین در برابر مشخصات چگونه باید باشد یعنی نه اینکه با یک دید منفی والدین نسبت به طفلش طفل خود را ناتوان و نا اطمینان نسبت بخودش دریابد و خود را بد بخت احساس کند بلکه والدین باید بیاموزند که چگونه طفل را در آموزش این مهارت کمک و تشویق نموده عکس العمل های مثبت را در برابر طفل خود نشان دهد.

جهت ارائه یک تصویر روشنتر از انکشاف روانی و جسمانی طفل در دو تابلوی زیر مثال های از رشد و انکشاف عادی و مطابق به سن طفل و نو جوانان ارائه میگردد.

تابلوی اول سن طفولیت 0-12 سال

مثال های از مهارت های مربوط به سن	عرصه رشد و انکشاف در سنین طفولیت
قرت کردن ( بلعیدن و نوشیدن)، عکس اعمل نشان دادن در برابر حرکات، نظم گرفتن خواب ( به موقع خواب کردن و بیدار شدن)	رشد فزیولوژی عادی
چوشک و شیر چوشک را محکم گرفتن، خود را دور دادن ( لولیدن)، چهار غوک کردن، راه رفتن، انجام کارهای که طفل با تفکر به انجام موفقانه عمل نایل گردد. مثلاً رسم کردن، قیچی کردن کاغذ، بازی کردن با وسایل بازی، نوشتن نام و غیره	رشد جسمانی - عملی و حرکتی
درک احساس و عکس العمل دیگران، نامیدن احساس ( خوش، قهر، حفه، نا راحت، راضی و غیره)، فهمیدن و شناخت از آنکه چه وقت و چگونه این احساسات را میتوان نشان داد، این مهارت که بتوان این احساس را تراز داد، کدام و چگونه؟	شناخت احساس و مجاز دیگران و انکشاف آن در خود
ابتکار عمل از خود نشان دادن، تمرکز فکرو آزمایش ( تفکر و عمل)، ایجاد تماس با اطفال و همسالان، " نه گفتن" در موقع معین، قبول اتوریته والدین و برخورد با آن.	شکل گرفتن اراده استقلالیت طفلانه
با احساس مصنوعیت برای سوال و یا کمک به والدین خود و یا تربیه کننده خود مراجعه نماید، فاصله گرفتن متناسب با افراد بیگانه، نشان دادن احساس راحتی و تسلی و آرامش بعد از یک نارامی و گریه.	شکل گرفتن تعلق و وابستگی ( با والدین)
یاد گرفتن کلمات و لغات، تکرار کردن کلمات و گفته ها، تکرار کردن بازی، با علاقمندی با وسایل بازی بازی کردن	انکشاف سمبولیک یا نمادی
کنجکاوی کردن برای فهمیدن از چیز های که دیگران میگویند و مقصد دارند، سوال کردن در مورد، درک کردن از این که ممکن کسی یک موضوع را خوب و یا بد تلقی میکند.	درک و انالیز معلومات اجتماعی
بازی کردن با اطفال، به شیوه طفلانه با اطفال دیگر به جنگ و دعوی پرداختن و دوباره حل کردن دعوی و پرخاش، دادن و گرفتن مقابل از شی تا احساس.	رابطه با اطفال هم سن و سال

گوش دادن، لحظه ها آرام نشستن، حساس بودن در برابر دستور العمل و امر.	عمل و پیشبرد امورات مکتب
---	--------------------------

\*\*

### تابلوی دوم مربوط سن نو جوانی

مثال ها از مهارت ها ی مربوط به این دوره سنی	رشد و انکشاف روانی و جسمانی نوجوانان
داشتن مهارت دادن و گرفتن احساس در تبادل نظر با والدین، داشتن این ایده که والدین افراد دیگر اند و ممکن همه چیز را در مورد طفل شان نمیدانند و یا به شکل دیگر درک میکنند، کمتر وابستگی به موافقت و تأیید دیگران داشته باشد.	استقلالیت اراده در ارتباط با والدین
یک برداشت ریالستیک در انتخاب شغل و حرفه، پذیرش و انطباق دادن خود به پروگرام و برنامه روزانه درسی، داشتن تماس و ارتباط با آموزگار و رهنمای مکتب، داشتن مهارت برای تقاضای کاریابی	کار و تحصیل
انتخاب یک موضوع ذوقی (سپورت، هنر و غیره)، داشتن یک پلان برای اوقات فراغت، سازماندهی مسائل بیشتر ذوقی در اوقات اضافی فراغت	اوقات فراغت
آغاز کردن در جمع و جور و پاک کردن از اطاق خود، داشتن پلان عملی روزانه، توجه به پاکی و حفاظت بدنی ( دوش گرفتن روزانه، لباس تبدیل کردن و غیره)	شرایط خانه و زنده گی
با درک و خود آگاهی تحمل و حوصله مندی در برابر اتوریتته، هنر گفتو گو و تبادل نظر.	برخورد با اتوریتته
انتخاب خوب برای غذا های صحی و نوشیدنی، تخمین خطر های احتمالی از زخم ها در بدن، مصنوعن راندن در عرصه ترافیکی، پیشبینی خطرات استفاده از مواد مخدر و مسکرات، به موقع نزد داکتر فامیلی و داکتر دندان رفتن.	صحت
راحت بودن زمانیکه شخصی دیگری به جوان مینگرد، توجه به غذای صحی و پاکی و حفاظت بدنی، توجه به لباس پوشیدن	بدن / شکل ظاهری
چیزی برای دیگران هم انجام دادن، اعتماد از خود نشان دادن، توانانی حل پروبلم داشتن، درک کردن احساس گرم دیگران و خود را عیار ساختن با آن. ( فهمیدن شوخی ومذاق دیگران)	مناسبات اجتماعی و روابط دوستانه
در جستجوی تأمین ارتباط کردن، داشتن درک و احساس از احساس و بیان احساس جانب دیگر که آرزومندی جانب مقابل چه است، پیشگیری و پیشبینی از مصاب شدن به امراض جنسی و خطرات دیگرناشی از این روابط.	ابراز گرمی و صمیمیت و روابط جنسی

\*\*

هدف از توضیح در دو جدول فوق نه تنها ارائه معلومات پیرامون مهارت های سنی در مراحل طفولیت و نوجوانی است بلکه در نظر گرفتن تمام مشخصات در روند رشد و انکشاف روانی طفل از دوره شیرخواره گی الی آغاز سن رشد ( 18 سالگی) است که در قدم اول والدین با در نظر گرفتن آن یک لانه مصنون را برای طفل در خانواده خود ایجاد نموده و خود در ایجاد و تکامل شخصیت و رشد مصنون جسمی و روانی طفل خود سهیم و مسنولیت پذیر میگردند. این همان حق طفل است که والدین و یا یک قیم طفل در تأمین و اجرای آن مسنولیت اخلاقی و قانونی دارد.

حقوق طفل برای تأمین همه زمینه ها و امکانات رشد شخصیت سالم و انکشاف مصنون با آنکه والدین را در نظام خانواده مسنولیت بزرگ در برابر طفل و خانواده داده است علاوه بر محیط هم یعنی مکتب، شیرخوارگاه، کودکستان، نهاد های دینی، نهاد های سپورتی، کلوب های ذوقی، مسنولین عرصه طبابت و سایر نهاد های مرتبط به مسائل طفل مسنولیت های بزرگ را در همان بخش کاری شان پیش بینی نموده است.

در کشور های اروپائی مانند کشور شاهی هالند حقوق طفل یکی از بخش های مهم در سیستم حقوقی و قانونگزاری میباشد که بدان توجه بزرگ مبذول میگردد.

در صورت که یک طفل با در نظر داشت مشخصات فوق و در یکی از مراحل رشد سنی در عرصه های رشد جسمانی و روانی در معضله قرار داشته باشد، به مفهوم این است که در وجود طفل فکتور های درونی و با بیرونی در برابر این رشد یک سد را ایجاد نموده است. این موانع در قوانین حمایت حقوق اطفال بنام فکتور های خطر رشد و انکشاف طفل تعریف شده اند در قدم اول والدین مسنولیت دارند تا موضوع را با داکتر فامیلی و یا موسسات مرتبط با طفل و خانواده مطرح نمایند و طالب مشورت و کمک گردند. این موسسات در ادارات شاروالیها فعال اند. در صورتکه والدین عمداً و یا ناشی از ناتوانی ذهنی و روانی نتوانند در زمینه اقدامی نمایند، مکتب، داکتر فامیلی، پولیس و دیگر نهاد های مربوطه مسنولیت دارند تا زیگنال خطر در برابر مصنونیت طفل را به ادارات مانند، شورای حمایت حقوق اطفال وزارت عدلیه و یا موسسه حمایت حقوق اطفال انتقال دهند تا ادارات مربوطه در مورد تدابیر قانونی را روی دست گیرند.

دولت بحیث یک موسسه سیاسی بزرگترین مسنولیت را در تأمین منافع، مصنونیت و رفاه عامه، قانونگزاری، حراست و تطبیق قانون دارد، مسنولیت بزرگ را همچنان در عرصه تأمین حقوق طفل، مادر و خانواده دارد. در حالات که خطرات ناشی از امنیت و مصنونیت فزیکتی و روانی طفل در حالت حاد باشد، ممکن است محاکم اطفال و خانواده برای مدتی صلاحیت والدین را در مورد طفل محدود سازند و یا هم ممکن منجر به ختم صلاحیت پدری و مادری در مورد طفل گردد که موجب بیرون ساختن طفل از خانواده و جابجا ساختن اش به یک محل مصنون دیگر گردد.

در کشور ما افغانستان که طفل و مادر هر دو بزرگترین قربانیان جنگ، بی قانونی، خشونت خانواده گی و سو استفاده و خشونت جنسی اند، قوانین و دستگاه های حراست حقوق در حمایت حقوق اطفال در سطحی حد اقل توانائی انجام وظایف با اهمیت در این عرصه قرار دارند. نو جوانان ما قربانی سنگسار و شلاق زدن طالبان و عقب گرایان که دلالت دین اند، میگرددند. اطفال مورد تجاوز جنسی قرار میگیرند

آموزگاران مکاتب افغانستان در داشتن معلومات های مسلکی مربوط به رشد و انکشاف جسمی و روانی طفل هنوز متأسفانه در حد اقل ترین قرار دارند و طفل هنوز هم در بعضی از مکاتب توسط آموزگاران مورد لت و کوب قرار میگردند یعنی آموزگاز مکتب خود بحیث عامل مانعی در رشد شخصیت سالم و روانی طفل قرار گرفته آینده طفل را به معضله مواجهه میسازد.

همن گونه که مادران و پدران بدون در نظر داشت درجه ذکاوت طفل توقع تحصیلات بلند تر طفل شان را دارند، اطفال با ذکاوت پائین بیشترین قربانی خشونت و لت و کوب در خانواده و مکاتب اند.

نویسنده حایز اهمیت جدی میداند همچنانکه والدین نقش بزرگ و پر مسنولیت را در ایجاد فضای سالم و مصنون برای انکشاف روانی و جسمانی طفل به عهده دارند، عطف توجه آموزگاران مدرسه نیز در این عرصه خیلی ها ضروری است که چگونه آموزگاز در یک روابط و تماس با والدین در مورد طفل در ادای مسنولیت بزرگ در بربر طفل همکار باشند.